



Exploring Intertextual Relationships between the Legend of Sari Galen in Azerbaijan and the Tale of Sheikh San'an Attar

Zahra Hosseiniyam ¹ | Pejman Dadkhah ²

1. Ph.D. Candidate, faculty of Arts, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author),

E-mail: zh9781815@gmail.com

2. Assistant Prof, Egballohoori Institute of Higher Education, Mashhad, Iran, E-mail: P.dadkhah@eqbal.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 2024-04-23

Received in revised form:
2024-07-05

Accepted: 2024-08-05

Published online: 2024-08-02

Keywords:

Intertextuality, Legend, Love,
The Azerbaijani song Sari
Galen, Sheikh San'an Attar

ABSTRACT

Purpose- The aim of this study is to analyze the thematic and structural similarities between the Azerbaijani folk song Sari Galin and the romantic legend of Sheikh San'an based on the theory of its intertextuality and elucidation of the intertextuality concept by Gérard Genette through the narrative of Attar's story. By examining the differences and similarities between these two narratives, this study seeks to achieve a deeper understanding of the Sari Galin folk song. Intertextual analysis is highly effective for understanding the background, critiquing literary or artistic texts, as well as discerning their authenticity and creativity. In this research, if the Azerbaijani folk song Sari Galin can be comparatively and intertextually examined with the literary work of Attar's narrative, it may provide fresh insights and facilitate a better comprehension of the Sari Galin song.

Methodology- The present research is descriptive-analytical and employs qualitative data analysis. Initially, interviews were conducted with several scholars and researchers in the field of Azerbaijani folklore music to gather information about the "Sari Galin" folk song. Subsequently, information was collected through library research on Attar's narrative and theoretical foundations. Then, relying on Gérard Genette's theory of intertextuality, the analysis focused on the themes, characters, and actions of both narratives. The text was examined to identify similarities and differences.

Findings- The main characters and events in both narratives, such as the love between a Muslim man and a Christian girl, marriage conditions, apostasy from Islam and becoming a shepherd out of love, the tragic end of the Christian girl's life due to separation from her lover, demonstrate significant thematic similarities, portraying an unfulfilled love and intense sorrow. The characters of The Legend of Sari Galin, who openly uses the characters of the story of Sheikh Sana'an atar and becomes a Muslim man of the heart of a Christian girl, as well as the precise and common theme of Love, whose religious issues are disturbing and deterrent, and whose failure in his connection is rooted in religious beliefs, as well as the difficult condition of passing through Islam to reach a lover, which is derived from the story of Sheikh Sana'an ATAR, is the death of the daughter of Teresa from the separation of the truth and the death of Sari Galin of the separation of the friend and the heartbreak and the sorrow of the love of this world that the difference in the narrative of the outcome of the Christian girl considering that there are differences in the explicit intertextuality of the second text compared to the first text and the similarity and emphasis on the end of the life of the Christian girl in both It's a story that establishes an explicit intertextual relationship between all of these things. Also, the herding of the lamb herd in The Legend of Sari Galin can be a sign and reference to the pigs in the story of Sheikh Sana'an ATAR, which is part of the implicit intransigence.

Conclusions- Ultimately, this intertextual analysis elucidates the influence of Attar's narrative on the Azerbaijani legend of "Sari Galin" and enhances a better understanding of the folk song. It appears that the legend of "Sari Galin" is essentially a folk rendition of Attar's narrative.

Cite this article: Hosseiniyam, Z. & Dadkhah, P. (2024). Exploring Intertextual Relationships between the Legend of Sari Galen in Azerbaijan and the Tale of Sheikh San'an Attar, *Iranian Journal of Anthropological Research*, 14(26), 143-157. Doi:[10.22059/ijar.2024.375482.459864](https://doi.org/10.22059/ijar.2024.375482.459864)



بررسی روابط بینامتنی افسانه ساری گلین آذربایجان با حکایت شیخ صنعان عطار

زهرا حسینی اعظم^۱ | پژمان دادخواه^۲

۱. دانشجوی دکتری، پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)، رایانامه: zh9781815@gmail.com

۲. استادیار موسسه آموزش عالی اقبال لاهوری، مشهد، ایران، رایانامه: P.dadkhal@eqbal.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	هدف: این پژوهش در پی تحلیل معنایی و مضمونی ترانه ساری گلین آذربایجان و افسانه عاشقانه مرتبط با آن و تبیین جایگاه بینامتنی آن بر پایه نظریه بینامتنیت ژرار ژنت با حکایت شیخ صنعان عطار است تا ضمن بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های این دو داستان، به دریافت شایسته‌تر ترانه ساری گلین دست یابد. بررسی بینامتنی برای شناخت پیشینه و نقد متون ادبی یا هنری و نیز تشخیص اصالت و خلاقیت آن‌ها بسیار موثر است. در این پژوهش چنانچه ترانه ساری گلین آذربایجان و افسانه عاشقانه‌ای که پیرامون آن وجود دارد به صورت تطبیقی و بینامتنی با اثر ادبی حکایت شیخ صنعان عطار مورد بررسی قرار گیرد می‌تواند نکات و وجوه تازه‌ای درباره این اثر فراهم کند و سبب درک عمیق‌تر و فهم بهتر ترانه ساری گلین شود.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۴	روش: روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی و شیوه تجزیه و تحلیل اطلاعات به صورت کیفی است. در این پژوهش ابتدا برای کسب اطلاعات در مورد ترانه ساری گلین با تعدادی از اساتید و پژوهشگران در زمینه موسیقی فولکلوریک آذربایجان مصاحبه و بعد از آن به روش کتابخانه‌ای در خصوص حکایت شیخ صنعان عطار و مبانی نظری، اطلاعاتی گردآوری شده و سپس با تکیه بر نظریه بینامتنیت ژرار ژنت تحلیل درون‌مایه و شخصیت‌ها و کنش‌های این دو متن انجام می‌گیرد.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۴/۱۵	یافته‌ها: شخصیت‌های اصلی و رویدادهای این دو، از قبیل عشق یک مسلمان به دختری مسیحی، شروط ازدواج و روی برگرداندن از اسلام و چوپان شدن عاشق، پایان زندگی دختر مسیحی از فراق یار، نشان دهنده شباهت مضمونی بسیار بینشان می‌باشد؛ مضمونی که بیان‌کننده عشقی ناکام و دلداگی پرشوری است. شخصیت‌پردازی‌های افسانه ساری گلین که آشکارا از شخصیت‌های حکایت شیخ صنعان عطار بهره گرفته و مردی مسلمان دلباخته دختری مسیحی می‌شود و نیز مضمون دقیق و مشترک عشقی که مسائل دینی مخل و بازدارنده آن است و ناکامی در وصالش ریشه در باورهای دینی دارد و همچنین شرط سخت گذر از اسلام برای رسیدن به معشوق که عیناً از حکایت شیخ صنعان عطار گرفته شده است ایضا جان سپردن دختر ترسا از فراق حق تعالی و مرگ ساری گلین از فراق یار و دل‌شکستگی و غم عشق این جهانی که اختلاف در روایت فرجام دختر مسیحی با توجه به اینکه در بینامتنیت صریح متن دوم نسبت به متن اول تفاوت‌هایی دارد و تشابه و تاکید بر پایان زندگی دختر مسیحی در هر دو حکایت است؛ رابطه بینامتنی صریح را بین تمامی این موارد برقرار می‌کند. همچنین چوپانی گله بره در افسانه ساری گلین می‌تواند نشانه و اشاره‌ای به خوک‌رانی در حکایت شیخ صنعان عطار باشد که بخشی از بینامتنیت ضمنی است.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۵	نتیجه‌گیری: در نهایت این بررسی بینامتنی روشن‌کننده تاثیرپذیری افسانه ساری گلین آذربایجان از حکایت شیخ صنعان عطار و سبب درک بهتر ترانه ساری گلین شد و به نظر می‌رسد افسانه ساری گلین در واقع، روایتی عامیانه از حکایت شیخ صنعان عطار است.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۸/۲۰	

کلیدواژه‌ها:

افسانه، بینامتنیت، ترانه ساری گلین آذربایجان، شیخ صنعان عطار، عشق

استناد: حسینی اعظم، زهرا، و دادخواه، پژمان. (۱۴۰۳). بررسی روابط بینامتنی افسانه ساری گلین آذربایجان با حکایت شیخ صنعان عطار، پژوهش‌های انسان‌شناسی

ایران، ۱۴ (۲۶)، ۱۴۳-۱۵۷. Doi: [10.22059/ijar.2024.375482.459864](https://doi.org/10.22059/ijar.2024.375482.459864)



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

DOI: https://ijar.ut.ac.ir/article_98073.html

مقدمه

ادبیات شناسان جهان به آثار شفاهی یک ملت، ادبیات فولکلور می‌گویند که خالقان و سرایندگان ناشناس دارند و عمدتاً به صورت شفاهی و سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل شده‌اند و به عنوان اثر آفریده شده توسط یک ملت شناخته می‌شوند. «ترانه‌ها بخشی از فولکلور هستند و مبانی نظری آن در چهار دیدگاه ملی‌گرایی، روانکاوی و انسانشناسی قرار می‌گیرد» (خسروی و محمذاده، ۱۳۹۹: ۲۲). ترانه در لغت به معنای دو بیتی، سرود، نغمه یا جوان خوش صورت است (معین، ۱۳۸۱: ۴۴۲). اما منظور از ترانه‌های فولکلور به گفته میر صادقی بخشی از ادبیات عامه و شامل تمام آثار موزونی است که به زبان محاوره و به شکل تصنیف، آوازهای کار، سرودهای مذهبی، لالایی‌ها، ترانه‌های بازی و عروسی در میان مردم یک منطقه رایج و متداول است (میر صادقی، ۱۳۷۶: ۵۹). اشعار و ترانه‌های فولکلور آینه تمام نمای شادی‌ها، رنج‌ها، آمال و آرزوها، وصل یا شکایت از فراق، ناملایمات روزگار و... هستند. «هر ملتی با زمزمه ترانه‌های محلی به خود بالیده است و در اوج و فرود کشمکش‌های زندگی به کمک ترانه، باری از مشکلات را از دوش خود و دیگران برداشته است» (ذواقاری و احمدی، ۱۳۸۸: ۱۴۴).

ساری گلین، از جمله ترانه‌های محبوبی است که با اندکی تغییر در متن، توسط خوانندگانی از کشورهای آذربایجان، ترکیه، ایران، ارمنستان و گرجستان اجرا شده است. ترانه ساری گلین آذربایجان ایران در کتاب «آذربایجان سچیلیمیش ماهنی لاری» (دمیرچی، ۱۳۸۶: ۱۱). آورده شده که در قالب شعری بایاتی است که دو بیتی‌های بومی ادبیات شفاهی آذربایجان هستند. «بایاتی‌ها گونه‌ای از شعر تغزلی مردم آذربایجان دارای هفت هجا و چهار مصرع که مصرع سوم آزاد و بقیه هم قافیه هستند. اندیشه اصلی در بیت دوم بیان می‌شود» (زارع شاهمرسی، ۱۳۸۸: ۳۲۴). در ارتباط با ترانه ساری گلین در بین مردم آذربایجان ایران چند افسانه وجود دارد که در یکی از محبوب‌ترین این روایت‌های عامیانه، ساری گلین دختری از طایفه قبقاق است که دین مسیح داشتند و جوانی مسلمان عاشق او می‌شود و این ترانه از سوی عاشق برای معشوق سروده شده است. اطلاعات کافی درباره اصل و ریشه این روایت وجود ندارد.

حکایت شیخ صنعان از بلندترین داستان‌های منطق الطیر عطار است که به مدد داستان‌پردازی و توصیف دقیق و ذوق و اندیشه والای عطار در حدود پانصد بیت عرضه شده است. صنعان، پیر صاحب کمال و پیشوای مردم زمان خویش است که با دیدن دختری ترسا گرفتار عشق او می‌شود و حکایت، حرکت و روی گردانیدن از دین‌داری به سوی عشق ورزی و دوباره حرکت و روی گردانی از عشق ورزی به سوی دین‌داری توأم با عشق ورزی است. فروزانفر می‌نویسد گمان می‌رود یک واقعه تاریخی در قرن ششم، هسته مرکزی این حکایت عرفانی باشد؛ هرچند سرچشمه و زمان این حکایت را نیز نمی‌توان به تحقیق معین کرد و تنها می‌توان گفت این حکایت بر ادبیات عرفانی ایرانی پایه‌گذاری شده است و ظاهراً اولین شاعری که این حکایت را به نظم در آورده است عطار نیشابوری بوده است. (فروزانفر، ۱۳۳۹: ۳۳۴).

«موضوع سخن هرچه که باشد، به هر حال، همواره از قبل به گونه‌ای بر زبان آمده است و غیرممکن است بتوانیم از سخن‌های از پیش گفته شده درباره این موضوع حذرکنیم... فقط آدم اسطوره‌ای و به کلی تنها که با اولین سخن خود به دنیایی بکر و هنوز بیان نشده نزدیک می‌شد، توانست از این سمتگیری متقابل در مناسبات با سخن دیگر برکنار بماند. سخن در مسیر رسیدن به موضوع، همواره با سخن فرد غیر مواجه می‌شود.» (تودوروف، ۱۳۹۶: ۱۰۳). این مطلب که بیانگر مفهوم بینامتنیت است از میخائیل باختین شروع می‌شود و نخستین بار توسط ژولیا کریستوا به کار برده می‌شود و توسط منتقدان ادبی دیگری چون هاردبلوم، لوران ژنی، میکائیل ریفاتر، رولان بارت، ژرار ژنت و... نیز مطرح می‌گردد که در میان آن‌ها دیدگاه ژرار ژنت از انسجام و و نظام‌بندی بیشتری برخوردار است. ژرار ژنت در نیمه دوم قرن بیستم برای بیان انواع روابط یک متن با سایر متون اصطلاح ترامتنیت را به کار برد و آن

را به پنج بخش تقسیم کرد: بینامتنیت، پیرامتنیت، فرامتنیت، سرمتنیت و بیش‌متنیت. نظر بر اینکه در این پژوهش صرفاً از رابطه بینامتنی سخن می‌رود از شرح و تبیین سایر روابط ترامتنی صرف‌نظر می‌شود. منظور از روابط بینامتنی این است که هر متنی ناظر به متون پیشینی هست و متن‌ها پیوسته بر اساس متن‌های گذشته بنا می‌شوند. بینامتنیت به رابطه تفسیری و معناشناختی ناظر است. بنابراین، بینامتنیت رابطه بین متون براساس هم‌حضور است. «هرگاه بخشی از یک متن در متن دیگر حضور داشته باشد، رابطه میان این دو، رابطه بینامتنی محسوب می‌شود» (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ۸۷).

این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش اصلی است که نحوه ارتباط و مناسبات بین افسانه عاشقانه ساری گلین آذربایجان و حکایت شیخ صنعان عطار بر پایه نظریه بینامتنی ژرار ژنت به چه صورت است که با تحلیل معنایی و مضمونی ترانه ساری گلین آذربایجان و افسانه عاشقانه مرتبط با آن و تبیین جایگاه بینامتنی آن با حکایت شیخ صنعان عطار، ضمن بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های این دو داستان، به فهم بهتر ترانه ساری گلین دست یابد. بررسی بینامتنی برای شناخت پیشینه و نقد متون ادبی یا هنری و نیز تشخیص اصالت و خلاقیت آن‌ها بسیار موثر است. در این پژوهش چنانچه ترانه ساری گلین آذربایجان و افسانه عاشقانه‌ای که پیرامون آن وجود دارد به صورت تطبیقی و بینامتنی با اثر ادبی حکایت شیخ صنعان عطار مورد بررسی قرار گیرد می‌تواند نکات و وجوه تازه‌ای درباره این اثر فراهم کند و سبب درک عمیق‌تر و فهم بهتر ترانه ساری گلین شود.

پیشینه پژوهش

با عنایت بر این که پژوهش حاضر در ارتباط با افسانه‌های پیرامون ترانه ساری گلین در آذربایجان ایران می‌باشد و از جهت هنر موسیقی و ارکان آن مورد تحقیق و تجسس واقع نمی‌شود؛ می‌بایست گفت پژوهش به صورت روشمند در رابطه با افسانه‌های حول ترانه ساری گلین بسیار نادر است و به صورت ناسامان گفته‌ها و نوشته‌هایی در منابع اینترنتی و ویکی‌پدیا در دسترس است که به دلیل عدم ویراستاری، صحت و اعتبار آن‌ها محل شبهه و تردید است و گویا ترانه ساری گلین به مثابه متنی است محبوب عموم با موسیقی دلنشین و توجه بایسته‌ای به اهمیت این ترانه در پژوهش‌های علمی و فولکلوریک و انسان‌شناسی نشده است و اطلاعات معتبر و موثرتر در رابطه با افسانه‌های مرتبط ترانه ساری گلین را بیشتر از اهالی موسیقی یا افرادی که علاقه‌مند و کنجکاو به دانستن درباره ساری گلین بوده‌اند می‌توان به دست آورد. با جست‌وجو در سایت‌های اینترنتی و مراکز اطلاعات و پژوهش‌های علمی، پایان‌نامه «طراحی مجموعه فرهنگی-گردشگری در تبریز با هدف احیاء میراث ناملموس آذری مبتنی بر معماری روایی» (حسن‌زاده، ۱۴۰۰)، یافت شد که در آن اسطوره ساری گلین به عنوان میراث ناملموس آذری جهت معرفی و ترویج فرهنگ و هویت منطقه در بستر آثار معماری مجموعه‌های فرهنگی-گردشگری با استفاده از فضاهای نمایشی، آموزشی و پیوندی که بین کالبد و روایت وجود دارد؛ انتخاب و تعیین شده و با رویکرد معماری روایی و استفاده از هنرهای مفهومی و ارجاعی به طراحی مفهومی دست یافته شده و در روند پژوهش ضمن پرداختن به موسیقی و رقص ساری گلین، روایت‌های مختلفی که درباره ساری گلین وجود دارد از جمله حکایت نبرد اهورایی و اهریمنی بر سر نجات خورشید که در اسارت اهریمن است؛ عشق پسر مسلمان به دختر ترسا و روایت عشق دختر بور و پسر چوپان و ظلم خان زمان در چند خط آورده شده است.

همچنین با جست‌وجوی کلیدواژه‌ها به انگلیسی مقاله «درگیری موسیقی در قفقاز جنوبی مطالعه موردی ارمنی‌ها و آذربایجانی‌ها» (دیویدجانتس و راس^۱، ۲۰۱۶) یافت شد که این مقاله با مطرح کردن ترانه ساری گلین آذربایجان و ساری آغجیک ارمنستان که هر

^۱ Davidjants & Ross

دو ملت ادعای تملک این ترانه را دارند به بررسی چگونگی استفاده از موسیقی در خدمت ایده‌های ملی‌گرایانه توسط دو قوم قفقازی آذری‌ها و ارمنی‌ها می‌پردازد و ضمن این بررسی، عناصر فرهنگی مشترک و افسانه شفاهی مرتبط با این ترانه که داستان عشقی غم‌انگیز بین یک پسر مسلمان و یک دختر مسیحی است را دلیل حضور این ترانه با تغییرات کوچک در هر دو سرزمین بیان می‌کند. در مجله هنر موسیقی نیز مقاله‌ای با عنوان «ساری گلین در افسانه‌های آذربایجان» (عتیق، ۱۳۸۹)، چاپ گردیده که به صورت اجمالی در چند پاراگراف افسانه‌های مرتبط با این ترانه را بیان کرده است؛ از جمله اینکه این ترانه در ارتباط با افسانه دزدیده شدن خورشید توسط تاریکی و تمنا و خواستن بازگشت خورشید است و حرکات رقص ساری گلین هم نشان‌دهنده این تمناست. افسانه بعدی شبیه به داستان سارای آورده شده که سارای در منطقه ارسباران به دنیا می‌آید و عاشق چوپان خان می‌شود؛ از طرفی روزی که خان برای سرکشی به منطقه می‌رود سارای را می‌بیند و عاشق او می‌شود و وقتی مخالفت سارای را می‌بیند دستور می‌دهد او را به زور برایش بیاورند و عاقبت سارای در مسیر، خود را در آب رودخانه آرپاجایی انداخته و جان می‌سپارد. لازم است توجه داشت این روایت در ارتباط با ترانه‌ای دیگر به اسم «آرپاردی سئل‌لر سارانی» است که عامه مردم آن را به ساری گلین نیز نسبت می‌دهند. درباره شیخ صنعان آثار متعددی نوشته شده که این موضوع بیانگر عمق این داستان است با این حال از ذکر بسیاری از آن‌ها خودداری می‌شود و صرفاً اثری نام برده می‌شود که تا حدودی نزدیک به موضوع این پژوهش می‌باشد. در مقاله «روایت کردی داستان شیخ صنعان و مقایسه آن با عطار نیشابوری» (آباریکی و مستعلی، ۱۳۹۳)، با تطبیق این دو اثر توضیحاتی درباره شخصیت شیخ صنعان و دقایق زندگیش و سیمای او را در ادبیات کردی داده شده و میزان تاثیرپذیری منظومه شیخ صنعان کردی از روایت عطار مشخص شده است و نتیجه حاصل شده به این صورت است که گویی شاعر کرد نخواست اثرش ترجمه و تقلید محض از روایت عطار نیشابوری باشد بنابراین بر آن شده تا با تغییر برخی از اجزای داستان چون تعداد مریدان، تکبر و غرور شیخ به عبادت خود، نحوه برخورد یار راستین صنعان با مریدان و بخصوص فرجام دختر ترسا که در نهایت به نکاح شیخ در می‌آید؛ منظومه‌ای دیگر بیافریند. همچنین در پایان‌نامه «بررسی تطبیقی داستان شیخ صنعان عطار نیشابوری و ترسا قیزی جمال رنجی» (ناصرقره‌لر، ۱۳۹۷)، با توجه به دو مفهوم ساختار و محتوا، دو متن نا هم زبان با مضامین و موضوعات واحد به صورت تطبیقی مورد واکاوی قرار گرفته است و نتایج حاصل آمده نماینگر این است که علی‌رغم شباهت‌های ساختاری و محتوایی، تفاوت‌هایی نیز در دو متن وجود دارد. در حکایت ملاجمال رنجی تصاویر بارزتر از متن شیخ عطار است و پرداخت شخصیت‌ها با جزئیات بیشتری همراه است و نگاه دو شاعر به مفاهیمی چون زن و توبه تفاوت‌های قابل تاملی است. همانگونه که آشکار است تاکنون اثری مستقل درباره بررسی روابط بینامتنی و تحلیل بن‌مایه‌های ترانه ساری گلین و افسانه‌های مرتبط با آن با داستان شیخ صنعان صورت نگرفته است.

روش‌شناسی

روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی و شیوه تجزیه و تحلیل اطلاعات به صورت کیفی است. در این پژوهش ابتدا برای کسب اطلاعات در مورد ترانه ساری گلین با تعدادی از اساتید و پژوهشگران در زمینه موسیقی فولکلوریک آذربایجان مصاحبه و بعد از آن به روش کتابخانه‌ای در خصوص حکایت شیخ صنعان عطار و مبانی نظری، اطلاعاتی گردآوری شده و سپس با تکیه بر نظریه بینامتنیت ژرار ژنت تحلیل درون‌مایه و شخصیت‌ها و کنش‌های این دو متن با نگاهی تطبیقی انجام می‌گیرد و فرایندهای توصیف، تحلیل و مقایسه و نتیجه‌گیری را در بر دارد.

مبانی نظری

بینامتنیت و ارتباط یک متن با متون دیگر از موضوعات مهم تحقیقات ادبی در دهه‌های اخیر به شمار می‌رود و برای شناخت پیشینه و نقد متون ادبی و هنری و نیز تشخیص اصالت و خلاقیت آن بسیار موثر است. با توجه به اینکه پژوهش حاضر بر اساس دیدگاه ژرار ژنت درباره بینامتنیت تنظیم می‌شود به تبیین دیدگاه وی درباره بینامتنیت پرداخته می‌شود. از دیدگاه ژنت در دسته بینامتنیت، یک متن در متنی دیگر به کار می‌رود. «هرگاه متنی از دیدگاه معناشناسیک دنباله متنی دیگر دانسته شود، با نکته بینامتنی روبه‌رویم» (احمدی، ۱۳۷۰: ۳۲۰). در بینامتنیت صریح آنچه اهمیت اساسی دارد، همحضوری است و منظور از همحضوری، حضور متن اول در متن دوم است. نکته مهم در این همحضوری آن است که متن دوم نسبت به متن نخست تفاوت‌هایی دارد. بنا به نظر ژنت بینامتنیت به سه دسته تقسیم می‌شود؛ بینامتنیت صریح و اعلام شده که این بینامتنیت از حضور آشکار یک متن در متنی دیگر سخن می‌گوید. در این نوع بینامتنیت مؤلف متن دوم به دنبال پنهان کردن متن اول نیست؛ به همین علت، حضور متن دوم در آن به نوعی دیده می‌شود. در بینامتنیت غیرصریح و پنهان شده؛ مؤلف متن دوم می‌کوشد تا مرجع بینامتن خود را پنهان کند. این کار به دلیل ضرورت‌های ادبی نیست، بلکه دارای دلایل فرادبی است. سرقت ادبی هنری یکی از انواع این دسته از بینامتنیت به شمار می‌رود. بینامتنیت ضمنی نوع دیگری است که در این نوع بینامتنیت مؤلف متن دوم، قصد پنهان کردن بینامتن را ندارد؛ به همین دلیل با به کاربردن نشانه‌هایی به مخاطب اعلام می‌کند که بینامتن و مرجع متن او چیست، اما باید توجه داشت که این کار به صورت آشکار و صریح صورت نمی‌گیرد، بلکه به اشاره‌هایی ضمنی اکتفا می‌شود. کنایات، اشارات، تلمیحات و... از مهمترین اشکال این نوع بینامتنیت هستند (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ۸۹).

بررسی ترانه ساری گلین در ادبیات شفاهی

حسینی بقانام و شیرین‌پور می‌گویند یکی از مشهورترین و محبوب‌ترین حکایت مردم آذربایجان ایران از ترانه ساری گلین اینگونه است که جوانی مسلمان در روستای خود به دختری عاشق می‌شود که این دختر از طایفه مسیحی قبقاق بوده و موهای زرد و صورت روشنی داشته است. پسر مسلمان که به سبب عشق فرا دینی امیدی به وصال نداشته برای معشوق خود با صدای حزین و سوزناک ترانه ساری گلین را می‌خوانده که به مرور زمان این ترانه رواج پیدا کرده است. در این افسانه دختر که پسر را گرفتار عشق می‌بیند برای پذیرفتن عشقش شرط می‌کند که از دین خود دست بکشد و یک سال چوپانی خانواده وی را بکند. به باور مردم، پسر شروط دختر را می‌پذیرد و چون از مسلمانی روی برمی‌گرداند به دست مردم کشته می‌شود و دختر نیز از فراق او بی‌تاب شده و جانش را در کنار کوه‌های الله‌اکبر از دست می‌دهد (حسینی بقانام، شیرین‌پور، ۱۴۰۲).

یکی از نکات بسیار مهمی که نیاز به توضیح دارد این است که ساری گلین در ترانه به چه معناست؟ آیا در معنای حقیقی خود به کار رفته یا نمادین است؟ در آذربایجان به طور عام به عروس، گلین گفته می‌شود که «از ریشه و مصدر گل‌مک به معنی آمدن اخذ شده است؛ یعنی عروس به خانه بخت می‌آید» (هادی، ۱۳۸۶: ۷۱۴). همچنین به گفته رودکیان به دختران جوان و دم بخت نیز به نیت اینکه به زودی به خانه بخت بروند گلین گفته می‌شد (رودکیان، ۱۴۰۲). در این ترانه، گلین برای بیان آرزوی عروس شدن معشوق از جانب عاشق است.

صفت ساری به معنی زرد است و حسینی بقانام و شیرین پور اظهار داشتند بر اساس روایت‌های عامیانه، ساری گلین از طایفه قبیچاق بوده که ویژگی ظاهری این طایفه موی زرد و پوست روشن بوده است (حسینی بقانام، شیرین پور، ۱۴۰۲). بنابراین به نظر می‌رسد دل‌بسته جمال معشوق واژه ساری را در ارتباط با نشانه‌های اصلی سر و صورت استفاده کرده است.

«ساچین اوجون هورمز لر، گولو سولو درمز لر» (دمیرچی، ۱۳۸۶: ۱۱).

سر گیسو را نمی‌بافند، گل تر (غنچه) را نمی‌چینند.

حسینی بقانام عنوان می‌کند بر اساس روایات، ترکان باستان موهای خود را بلند نگه می‌داشتند و وقتی پسرها به سن نوجوانی می‌رسیدند، موهای دختران را می‌بافند تا از پسرها متمایز شوند. همچنین هنگام عروسی موی دختر و پسر را به هم می‌بافتند که به معنی بستن عهد و پیمان بود (حسینی بقانام، ۱۴۰۲). وقتی عاشق می‌گوید سر گیسو را نمی‌بافند معلوم می‌شود که عاشق امیدی به وصال معشوق ندارد و موهایشان هرگز به هم بافته نخواهد شد. این ناامیدی و ناله غم انگیز، در ادامه با گفتن گلی که هنگام چیده شدنش نیست هم نشان داده می‌شود.

«بو سودا نه سودادیر، سنی منه ورمز لر نیلیم آمان آمان» (همان، ۱۱).

این عشق، چه عشقی است، تو را به من نمی‌دهند ای امان ای امان

از این قسمت ترانه می‌توان قطعی بودن فراق و فصل و هجر را دریافت و ای امان ای امان نیز سوگ و سوزی برای این فصل است و عاشق ناله می‌کند که این عشق چه عشقی است.

«بو دره نین اوزونو، چوبان قایتار قوزونو» (همان، ۱۱).

این دره دور و دراز است، چوپان بره را برگردان.

حسینی بقانام می‌گوید به باور مردم، معشوق برای عاشق شرط چوپانی کردن گذاشته است (حسینی بقانام، ۱۴۰۲). می‌توان گفت عاشق برای رسیدن به مقصود از چوپان می‌خواهد بره را برگرداند تا خود چوپانی کند و گویی دره فاصله بین عاشق و معشوق را بیان می‌کند.

«نه اولایدی بیر گوریدیم، نازلی یاریمین اوزونو نیلیم آمان آمان» (همان، ۱۱).

چه می‌شود روزی من صورت نازنین یارم را ببینم ای امان ای امان.

عاشق آرزوی دیدن روی معشوق را دارد.

خلاصه حکایت شیخ صنعان عطار

این حکایت، حکایت عاشق شدن پیرمردی متدین و صاحب کمال و خوش‌نام بر دختری ترسا است که دختر او را از مسیر زهد و عبادت خارج می‌سازد و با طرح شروطی دشوار، شیخ را تا پایین‌ترین مراتب کفر و گمراهی تنزل می‌دهد. شیخ نیز در راه عشق او تمام سختی‌ها و ملامت‌ها را به جان می‌خورد و به خواسته‌های مذموم او اعم از باده‌نوشی، سجده کردن بر بت، سوزاندن قرآن، کافر شدن و خوک‌بانی تن می‌دهد. حتی التماس مریدانش او را از این عشق منصرف نمی‌گرداند. شومی گناه تمام محفوظات دینی شیخ را از یاد او می‌برد و او را در منجلاب غفلت و بی‌خبری غرقه می‌سازد. تا اینکه پایمردی‌ها و دعا‌های خالصانه یکی از مریدان پاکباز و صادق شیخ، موجب شفاعت پیامبر اکرم (ص) در حق او می‌شود و توفیق توبه می‌یابد و با زدوده شدن غبار نهانی بین شیخ و پروردگار، وی به مرحله تسلیم و بندگی خالص نائل می‌شود و کمال می‌یابد. پس از او دختر ترسا نیز از طریق هاتف غیبی در خواب از احوال شیخ مطلع می‌شود و به خواست آن ندا دهنده پی شیخ می‌گیرد و آواره بیابان‌های حیرت و فقر می‌شود و به مذهب او در می‌آید و شیخ با

ندایی باطنی از حال او آگاه می‌گردد و به همراه مریدان، دختر را در وضع پریشانی و بیهوشی می‌یابد. با اشکی که از دیدگان شیخ بر گونه دختر فرو می‌چکد دختر به هوش می‌آید ولی جانش از شوق دیدار حق لبریز گشته و جان به جان آفرین تسلیم می‌کند.

بررسی روابط بینامتنی میان شخصیت‌های افسانه ساری گلین با حکایت شیخ صنعان عطار

در حکایت شیخ صنعان عطار، مرد مسلمان زاهد و گوشه‌نشین دلدادۀ دختری ترسا می‌شود.

«شیخ صنعان پیر عهد خویش بود

در کمال از هرچه گویم بیش بود

شیخ بود او در حرم پنجاه سال

با مرید چارصد صاحب کمال» (عطار، ۱۳۵۶: ۶۷).

«از قضا را بود عالی منظری

بر سر منظر نشسته دختری

دختری ترسا و روحانی صفت

در ره روح الله‌اش صد معرفت» (همان، ۶۸).

«دختر ترسا چو برقع برگرفت

بند بند شیخ آتش در گرفت

چون نمود از زیر برقع روی خویش

بست صد زنارش از یک موی خویش

گرچه شیخ آنجا نظر در پیش کرد

عشق آن بت روی کار خویش کرد» (همان، ۶۹).

همان‌طور که بیان شد در روایت مردم آذربایجان، ساری گلین دختری از طایفه قبیچاق است که بنابر نوشته همو، سکونت در دشت قبیچاق، این قبایل را در معرض عقاید مذهبی مختلفی قرار داده است. تا جایی که در بخش‌هایی از آن تحت‌تاثیر بیزانسی‌ها و روس‌ها، مسیحیت در میان آن‌ها رایج بوده است (همو، ۱۳۵۰: ۲۱۶). حکایت مردمی این است که پسری مسلمان عاشق این دختر قبیچاق مسیحی می‌شود. همان‌طور که پیش‌تر بحث شد حسینی‌بقانام و شیرین‌پور می‌گویند باور مردمی بر این است که ترانه ساری گلین زمزمه‌های عاشقانه پسری مسلمان برای معشوقه مسیحی‌اش می‌باشد که در درازای زمان میان مردم متداول گشته است (حسینی‌بقانام و شیرین‌پور، ۱۴۰۲). با توجه به این، در متن ترانه توصیفی از مرد عاشق وجود ندارد و ترانه تنها چند و چون عشقی ناکام است. ولی در افسانه مزبور مرتبط با این ترانه، مرد عاشق، جوانی مسلمان است که به سبب تقابل دینی امیدی به وصال معشوق ندارد.

مسیحی بودن ساری گلین و دل بستن مرد مسلمان به وی، گویی وام‌دار شخصیت‌های حکایت شیخ صنعان عطار است و شنونده وقتی با این شخصیت‌ها روبه‌رو می‌شود در صورت آشنایی، حکایت شیخ صنعان عطار برای او یادآوری می‌شود و این شخصیت‌پردازی در افسانه ساری گلین مصداقی برای بینامتنیت صریح است که در واقع «حضور آشکار یک متن در متن دیگر است و در این نوع بینامتنیت مولف متن دوم در نظر ندارد مرجع متن خود یعنی متن اول را پنهان کند. به همین سبب به نوعی می‌توان حضور متن

دیگری را در آن مشاهده کرد» (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ۸۸). بنابراین با تحلیل دقیق‌تر، روایت افسانه ساری گلین به صورت آشکار با این شخصیت‌ها رابطه بینامتنیت صریح را میان این دو حکایت برقرار می‌کند که عنصر بینامتنی در آن به راحتی قابل شناسایی است و شاید این همانندی در شخصیت‌ها به سبب اهمیت فوق‌العاده تقابل دینی نزد عامه مردم و گونه اندیشیدن ایشان در این باره است که با بر گرفتن آن از حکایت شیخ صنعان عطار این مهم را عامیانه توصیف می‌کنند و این نسبت بینامتنی سبب گسترش ژرفای معنایی این افسانه می‌شود و می‌توان به وضع و چگونگی باورهای دینی در فرهنگ مردم آذربایجان پی برد.

بررسی روابط بینامتنی میان مضامین افسانه ساری گلین با حکایت شیخ صنعان عطار

علاوه بر شخصیت‌ها، مضمون عشق و شیفتگی پرشوری که مسائل دینی بازدارنده و مخل آن است نیز شنونده آشنا را به ابیات شیخ صنعان عطار هدایت می‌کند و چنین به نظر می‌رسد که پیش زمینه این مضمون، احتمالاً اشعار شیخ صنعان عطار می‌باشد.

در حکایت شیخ صنعان ماهیت عشق شیخ به دختر ترسا چنین توصیف می‌شود:

«عشق بر جان و دل او چیر گشت

تا ز دل نومید وز جان سیر گشت

گفت چون دین رفت چه جای دل است

عشق ترسازاده کاری مشکل است

چون مریدانش چنین دیدند زار

جمله دانستند کافتادست کار

سر به سر در کار او حیران شدند

سرنگون گشتند و سرگردان شدند

پند دادندش بسی، سودی نبود

بودنی چون بود، به بودی نبود

هر که پندش داد فرمان می‌نبرد

ز آن که دردش هیچ درمان می‌نبرد» (عطار، ۱۳۵۶: ۷۰).

در ترانه ساری گلین نیز وضع و حال عشق حاضر چنین آورده می‌شود:

«بو سودا نه سودادیر، سنی منه ورمز لر نیلیم آمان آمان» (دمیرچی، ۱۳۸۶: ۱۱).

این عشق، چه عشقی است، تو را به من نمی‌دهند ای امان ای امان.

این بخش از ترانه گواهی و تصدیق نامعمول بودن عشقی است که در افسانه مورد بحث چنین شرح داده می‌شود که رویارویی دینی بین عاشق و معشوق مانع از وصال است و عاشق در ترانه آشکارا ابراز می‌کند که ما به هم نمی‌رسیم.

بن‌مایه اصلی و اساس هر دو حکایت، عشقی است که ناکامی در وصالش ریشه در باورهای دینی دارد حضور این مضمون در افسانه ساری گلین حاکی از وجود رابطه بینامتنی صریح بین این دو حکایت است که رابطه‌شان بر اساس هم‌حضور آشکار و بدون پنهان کردن است و روشن است که هر دو حکایت دارای مضمون یکسان هستند. وانگهی اگرچه معنی برای ازدواج مرد مسلمان با دختری مسیحی وجود ندارد اما به سبب تعصب دینی نکوهیده شده و در افسانه ساری گلین از سمت مردم منع می‌شود و در حکایت شیخ صنعان، مریدان شیخ وی را ملامت می‌کنند.

بررسی روابط بینامتنی میان رویدادها و کنش‌های افسانه‌ساری گلین با حکایت شیخ صنعان عطار

در حکایت شیخ صنعان عطار زمانی که شیخ برای وصال دختر عجز و لابه می‌کند دختر برای شیخ چند شرط می‌گذارد: سجده کردن بر بت، سوزاندن قرآن، نوشیدن خمر و خوک‌رانی کردن و دست شستن از اسلام که در افسانه‌ساری گلین نیز تعدادی از این شروط نقل و حکایت می‌شود.

شرط گذر از اسلام

شرط گذر از اسلام برای رسیدن به معشوق و روی برگرداندن از اسلام یکی از شروطی است که در حکایت شیخ صنعان عطار آمده است.

«گفت دختر گر درین کاری تو چست

دست باید پاکت از اسلام شست

هرک او هم رنگ یار خویش نیست

عشق او جز رنگ و بویی بیش نیست

شیخ گفتش هرچ گویی آن کنم

وانچ فرمایی به جان فرمان کنم

حلقه در گوش توام ای سیم تن

حلقه‌ای از زلف در حلقم فکن» (عطار، ۱۳۵۶: ۷۶-۷۵).

در ارتباط با ترانه‌ساری گلین، نقل است دختر برای پسر شرط دست کشیدن از اسلام را می‌گذارد و یک روز مردم پسر را می‌بینند که صلیبی به دست می‌گیرد و با مسیحیان به کلیسا می‌رود. در کناری می‌ایستد و به عبادت معشوقه خویش و هم‌کیشانش نگاه می‌کند و با صدای حزین زمزمه می‌کند:

«نه اولاددی بیر گوریدیم، نازلی یاریمین اوزونو نیلیم امان امان

نیلیم امان امان ساری گلین» (دمیرچی، ۱۳۸۶: ۱۱).

چه می‌شود روزی من صورت نازنین یارم را ببینم ای امان ای امان

چه کنم ای امان ای امان ساری گلین

گذار از اسلام، یکی از شروط سخت معشوق برای عاشق است که در هر دو حکایت بیان می‌شود که در زندگی حقیقی آنچنان پر تکرار نیست و از طرفی در حکایت شیخ صنعان عطار این رویداد و کنش بسیار برجسته است. گویی در افسانه‌ساری گلین به فراخور نیاز برای شکل دادن به ساختار داستانی به این بخش حکایت عطار، نظر داشته شده و همان‌طور که پیش‌تر گفته شد؛ بر پایه‌ی تعریف بینامتنیت صریح از ژنت، استفاده به طور دقیق و آشکارا از رویداد گذر از اسلام به عنوان شرط وصال و راه بردن به مقصود در افسانه‌ساری گلین، اقتباس و برداشت و از جلوه‌های بارز بینامتنی صریح است و عیناً از حکایت شیخ صنعان عطار گرفته شده است.

شرط چوپانی کردن

در حکایت شیخ صنعان عطار، دختر برای پذیرفتن عشق شیخ برای وی شرط خوک‌رانی کردن می‌گذارد.

«عاقبت چون شیخ آمد مرد او
دل بسوخت آن ماه را از درد او
گفت کابین را کنون ای ناتمام
خوک رانی کن مرا سالی مدام
تا چو سالی بگذرد، هر دو بهم
عمر بگذاریم در شادی و غم
شیخ از فرمان جانان سرتافت
کانک سرتافت او ز جانان سرنیافت
رفت پیرکعبه و شیخ کبار
خوک رانی کرد سالی اختیار» (عطار، ۱۳۵۶: ۷۹).

چوپان دام‌های روستائیان را در قبال دریافت دستمزد به مراتب بیلاقی و قشلاقی حریم روستا می‌برد. در روایات مردمی، ساری گلین از پسر می‌خواهد مدتی برای خانواده وی چوپانی کند و این به عنوان خدمتی برای معشوق می‌باشد. در ترانه ساری گلین عاشق از چوپان می‌خواهد که بره را برگرداند تا خود چوپانی کند.

«بو دره‌نین اوزونو، چوبان قایتار قوزونو» (دمیرچی، ۱۳۸۶: ۱۱).

این دره دور و دراز است، چوپان بره را برگردان.

سختی و رنج بردن برای به دست آوردن معشوق ارزشی است که در ادبیات عاشقانه همواره رایج است. چوپانی گله بره، در افسانه ساری گلین می‌تواند نشانه و اشاره‌ای به خوک‌رانی در حکایت شیخ صنعان عطار باشد و همان‌طور که گفته شد اشاره بخش مهمی از بینامتنیت ضمنی می‌باشد و می‌توان با این اشاره مرجع آن را باز جست که مربوط به پیش متن شیخ صنعان عطار است و در هر دو حکایت غرض از گنجاندن شرط چوپانی، انجام کاری دشوار برای رسیدن به معشوق است.

فرجام دختر ترسا

در روایت عطار بعد از اینکه پیر شیخ صنعان و مریدان در مکه برای شیخ دعا می‌کنند و دعای آنان مستجاب می‌شود؛ شیخ دچار تحول عظیمی می‌شود و دوباره به دامن اسلام برمی‌گردد؛ دختر ترسا نیز بعد از شنیدن این خبر به دنبال شیخ روانه مکه می‌شود و پس از ملاقات با او و پذیرفتن دین اسلام، طاق او از فراق حق تعالی طاق گشته و فنای فی الله می‌گردد و عالم خاکی را وداع می‌کند.

«برفکندم توبه تا آگه شوم
عرضه کن اسلام تا با ره شوم
شیخ بر وی عرضه اسلام داد
غلغلی در جمله یاران فتاد
چون شد آن بت روی از اهل عیان
اشک باران، موج زن شد در میان
آخر الامر آن صنم چون راه یافت
ذوق ایمان در دل آگاه یافت

شد دلش از ذوق ایمان بی‌قرار
غم درآمد گرد او بی‌غمگسار
گفت شیخا طاقت من گشت طاق
من ندارم هیچ طاقت در فراق
می‌روم زین خاندان پر صداع
الوداع ای شیخ عالم الوداع
چون مرا کوتاه خواهد شد سخن
عاجزم، عفوی کن و خصمی مکن
این بگفت آن ماه و دست از جان فشانند
نیم جانی داشت بر جانان فشانند» (عطار، ۱۳۵۶: ۸۸-۸۷).

در حکایت ساری گلین وقتی پسر از اسلام دست می‌کشد به جهت ارتداد در اسلام، کشته می‌شود و ساری گلین از دل شکستگی و غم عشق، جان می‌سپارد.

گرچه تفاوت‌هایی در روایت جان سپردن ساری گلین و دختر ترسای حکایت شیخ صنعان عطار وجود دارد و جان سپردن ساری گلین از فراق یار و عشق این جهانی است و طاقت نیاوردن دختر ترسا از فراق حق تعالی است؛ ولی همان‌طور که پیش‌تر گفته شد در بینامتنیت صریح، متن دوم نسبت به متن نخست تفاوت‌هایی دارد بنابراین با توجه به اینکه هر دو حکایت بر این نکته تأکید دارند که زندگی دختر مسیحی پایان می‌یابد این تشابه و هم‌حضوری رابطه بینامتنی صریح را به وضوح نشان می‌دهد.

فرجام مرد مسلمان

آنچه مردم آذربایجان از فرجام پسر مسلمان روایت می‌کنند این است که به سبب ارتداد توسط مردم کشته می‌شود اما در حکایت عطار، شیخ با دعای مریدانش توبه می‌کند و به مرحله‌ای از کمال نائل می‌شود.

«مصطفی گفت ای بهمت بس بلند
رو که شیخت را برون کردم ز بند
همّت عالیت کار خویش کرد
دم نزد تا شیخ را در پیش کرد
در میان شیخ و حق از دیرگاه
بود گردی و غباری بس سیاه
آن غبار از راه او برداشتم
در میان ظلمتش نگذاشتم
کردم از بهر شفاعت شب‌نمی
منتشر بر روزگار او همی
آن غبار اکنون ز ره برخاستست

توبه بنشسته گنه برخاستست» (همان، ۸۴).

اختلاف اصلی افسانه ساری گلین و حکایت شیخ صنعان عطار در فرجام مرد مسلمان است از آنجا که روابط بینامتنی در روایت‌های شفاهی آزادانه‌تر از آنچه در نوشتار با آن روبه‌رو هستیم عمل می‌کنند و متون بیشتر دست‌کاری و بازآفرینی می‌شوند این تفاوت می‌تواند متأثر از شرایط اجتماعی و فرهنگی و باورهای دینی و زاویه دید عامه، نسبت به روی برگرداندن از اسلام در افسانه ساری گلین و پایه‌گذاری شدن روایت عطار بر ادبیات عرفانی باشد که عطار این ساختار و فرجام را در ستایش دین‌داری و عشق الهی آفریده است اما در افسانه ساری گلین فرجام مرد مسلمان بیشتر برخاسته از فضای فکری و فرهنگی حاکم در زمانه خود و فاصله گرفتن جامعه از مسائل عرفانی و نگاه واقع‌گرایانه و تجربی به وقایع است؛ در نتیجه تفاوت در این بخش محصول تفاوت نگاه سراینده و راویان این دو حکایت است و نشان دهنده تفاوت تفکر غالب مردم آذربایجان در مورد ارتداد و اندیشه عارفانه عطار نسبت به آن است.

جدول ۱. روابط بینامتنی افسانه ساری گلین آذربایجان با حکایت شیخ صنعان عطار بر اساس نظریه ژرار ژنت (نگارندگان)

نوع رابطه بینامتنی	افسانه ساری گلین	حکایت شیخ صنعان عطار	تحلیل بینامتنی
بینامتنیت صریح	ساری گلین دختری مسیحی از طایفه قبیچاق است که پسری مسلمان عاشق وی می‌شود.	مرد مسلمان زاهد دلداه دختر ترسا می‌شود.	آوردن آشکار و عین شخصیت مرد مسلمان و دختر مسیحی در افسانه ساری گلین
بینامتنیت صریح	عشق ناکام پسر مسلمان به ساری گلین که از سمت مردم منع می‌شود.	عشق شیخ به دختر ترسا که مورد ملامت مریدانش است.	مضمون دقیق و مشترک عشق میان پسر مسلمان و دختر مسیحی که مسائل دینی مخل آن می‌شود.
بینامتنیت صریح	ساری گلین برای پسر شرط دست کشیدن از اسلام را به جهت وصال می‌گذارد.	روی برگرداندن از اسلام برای رسیدن به معشوق یکی از شروطی است که در حکایت شیخ صنعان آمده است.	شرط سخت گذر از اسلام برای رسیدن به معشوق عینا از حکایت شیخ صنعان عطار گرفته شده است.
بینامتنیت ضمنی	ساری گلین از پسر می‌خواهد مدتی به عنوان خدمت چوپانی خانواده وی را بکند.	دختر ترسا در عوض پذیرفتن عشق شیخ برایش شرط خوک‌رانی می‌گذارد.	چوپانی گله بره در افسانه ساری گلین می‌تواند نشانه و اشاره‌ای به خوک‌رانی در حکایت شیخ صنعان عطار باشد که بخشی از بینامتنیت ضمنی است.
بینامتنیت صریح	پس از مرگ پسر مسلمان، ساری گلین از دل شکستگی و غم عشق جان می‌سپارد.	دختر ترسا پس از پذیرفتن دین اسلام جانش از شوق دیدار حق لبریز گشته و جان به جان آفرین تسلیم می‌کند.	اختلاف در روایت فرجام دختر مسیحی با توجه به اینکه در بینامتنیت صریح متن دوم نسبت به متن اول تفاوت‌هایی دارد و تشابه و تاکید بر پایان زندگی دختر مسیحی در هر دو حکایت، رابطه بینامتنی صریح را بینشان برقرار می‌کند.

نتیجه‌گیری

نتیجه‌ای که از پژوهش حاضر، حاصل می‌شود؛ این است که در بخش‌های اصلی افسانه مرتبط به ترانه ساری گلین آذربایجان ایران و حکایت شیخ صنعان عطار، هم‌چون عشق یک مسلمان به دختری مسیحی، شباهت و اشتراک وجود دارد و راویان این افسانه آشکارا از شخصیت‌پردازی حکایت شیخ صنعان عطار بهره گرفته‌اند و این ارتباط در دسته بینامتنیت صریح قرار می‌گیرد. شروط ازدواج دختر و دست کشیدن مسلمان از اسلام، نیز رویدادی است که در حکایت شیخ صنعان بسیار برجسته است و روایت آن در افسانه ساری گلین ارجاع بینامتنی صریحی به حکایت شیخ صنعان عطار و منبع الهام‌بخش آن است. همچنین چوپانی گله بره در افسانه ساری گلین، نشانه و اشاره‌ای به خوک‌رانی در حکایت شیخ صنعان عطار می‌باشد و با توجه به این اشاره باید رابطه بینامتنیت ضمنی بین این دو بخش وجود دارد. هم‌حضور فرجام دختر ترسا نیز با تفاوت‌هایی که ساری گلین از فراق یار و عشق این جهانی، جان می‌سپارد و دختر ترسا در حکایت شیخ صنعان از فراق حق تعالی، مرگ را برمی‌گزیند؛ بر مناسبات بینامتنیت صریح استوار می‌باشد و متن دوم نسبت به متن نخست تفاوت‌هایی دارد. افزون بر این‌ها بر اساس این پژوهش روشن می‌شود بیشترین مشابهت‌های افسانه ساری گلین و حکایت شیخ صنعان عطار با یکدیگر در مضمون و درون‌مایه عشقی است که باورهای دینی محل آن است و این نوع عشق، از مهم‌ترین مولفه‌های شکل‌گیری این دو حکایت و یکی از دلایل مشهور شدن حکایت شیخ صنعان عطار و بر سر زبان افتادن و انتقال سینه به سینه افسانه ساری گلین بوده و پر تکرارترین رابطه بینامتنی بین این دو حکایت، از منظر ژنت، بینامتنی صریح است و افسانه ساری گلین در آذربایجان ایران متأثر از حکایت شیخ صنعان عطار می‌باشد و گویی روایتی عامیانه‌تر از این حکایت است و بررسی مناسبات بینامتنی آن با حکایت شیخ صنعان عطار، نقش ویژه‌ای در رفع ابهام از افسانه ساری گلین ایفا کرد.

منابع

- احمدی، بابک (۱۳۷۰). *ساختار و تأویل متن*، تهران: نشر مرکز.
- تودوروف، تزوتان (۱۳۹۶). *منطق گفت‌وگویی میخاییل باختین*، ترجمه داریوش کریمی، تهران: نشر مرکز.
- حسینی آبیاریکی، سید آرمان و نوروزی مستعلی، منصور (۱۳۹۳). روایت کردی داستان شیخ صنعان و مقایسه آن با روایت عطار نیشابوری، *فصلنامه آینه میراث*، ۱۲(۲)، ۴۹-۷۷.
- حسن‌زاده، سیما و باقری، محمد (۱۴۰۰). *طراحی مجموعه فرهنگی-گردشگری در تبریز با هدف احیاء میراث ناملموس آذری مبتنی بر معماری روایی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه زنجان.
- خسروی، جمال؛ محمدزاده، حسین (۱۳۹۹). *مقدمه‌ای بر ترانه‌های کار در مناطق کردنشین*، تهران: انتشارات رسانه تخصصی.
- دمیرچی، حسن، (۱۳۸۶). *آذربایجانین سچیلیمیش ماهنی لاری ۴*، تبریز، انتشارات اختر.
- ذوالفقاری، حسن؛ احمدی، لیلا (۱۳۸۸). گونه شناسی سرودهای ایران، *ادب پژوهی*، ۳(۸ و ۷)، ۱۴۳-۱۷۰.
- زارع شاهمرسی، پرویز (۱۳۸۸). *فرهنگ شاهمرسی، ترکی-فارسی*، تبریز: انتشارات اختر.
- ستاری، جلال (۱۳۷۸). *پژوهشی در قصه شیخ صنعان و دختر ترسا*، تهران: نشر مرکز.
- عتیق، معصومه (۱۳۸۹). ساری گلین در افسانه‌های آذربایجان، *ماهنامه هنر موسیقی*، (۱۱۱)، ۱۶-۱۷.
- عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین محمد، (۱۳۵۶). *منطق الطیر (مقامات الطیور)*، مصحح دکتر سید صادق گوهرین، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- فروزانفر، بدیع‌الزمان، (۱۳۳۹). *شرح احوال و نقد و تحلیل آثار شیخ فریدالدین محمد عطار نیشابوری*، تهران: انجمن آثار ملی.

میرصادقی، میمنت، (۱۳۷۶). *واژه‌نامه هنر شاعری*، تهران: کتاب مهناز.
معین، محمد، (۱۳۸۱). *فرهنگ فارسی*، گردآورنده عزیزالله علیزاده، تهران: آدنا کتاب راه نو.
ناصر قره‌لر، لایلا و تاج‌بخش، اسماعیل (۱۳۹۷). *بررسی تطبیقی داستان شیخ صنعان عطار نیشابوری و ترسا قیزی جمال رنجی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی*، دانشگاه علامه طباطبائی تهران.
نامور مطلق، بهمن، (۱۳۸۶). *ترامنتیت مطالعه روابط یک متن با دیگر متن‌ها، پژوهشنامه علوم انسانی*، ۵۶، ۹۸-۸۳.
هادی، اسماعیل، (۱۳۸۶). *لغتنامه جامع اتیمولوژیک ترکی - فارسی*، تبریز: انتشارات اختر.
همو، نورالله عبدالله بن لطف الله بن عبدالرشید البهدادینی الخوانی (۱۳۵۰). *ذیل جامع التواریخ رشیدی*، به اهتمام خانبابا بیانی، تهران: انجمن آثار ملی، چاپ دوم.

- Ahmadi, B. (1980). *Structure and translation*. Tehran, Markaz . (in Persian)
Atigh, M. (1389). *Sari Galen in the Legends of Azerbaijan*, monthly magazine of the art of music, 111, 17-16. (in Persian)
Frozanfar, B. (1339). *Description and criticism and analysis of the works of Sheikh Fariduddin Muhammad Attar nishaburi*, Tehran, National Works Association. (in Persian)
Hasanzadeh S. Bagheri M (1400). *Designing a cultural tourism complex in Tabriz with the aim of reviving the intangible Azari heritage based on narrative architecture*. A thesis presented for the degree of M. Sc. Architecture. University of Zanjan. (in Persian)
Hadi, I. (1386). *The complete dictionary of Turkish – Persian atomology*, Tabriz, Akhtar. (in Persian)
Hosseini abbariki, A. Nurouzi Mustali, M. (1393). You narrated the story of Sheikh Sanan and compared it to the narrative of ATAR nishaburi, *chronology of Ayineye miras*, 55, 49-77. (in Persian)
Humu, N. (1350). *The following is a summary of the history of Rashidi, by khanbaba Biani, Tehran, Association of national monuments*, second edition. (in Persian)
Khosrawi, J. Mohammadzadeh, H. (1399). *Introduction to the songs of work in the Kurdish regions*, Tehran, Resaneye Takhasosi. (in Persian)
Mirsadeghi, M. (1376). *The dictionary of poetic art*, Tehran, Ketabe Mehnaz. (in Persian)
Mo'in, M. (1381). *Persian culture*, compiled by Azizullah Alizadeh, Tehran, Adena ketabe rahe no. (in Persian)
Nasehgharalar L. Tajbakhsh A. (1397). *Comparative study Of the story of sheikh San'an Attar of Nishapur and Tarsa ghizi Jamal Ranji*. A thesis presented for the degree of M. Sc Faculty of Persian Literature and Foreign Language Allameh Tabataba'i University. (in Persian)
Namvar Motlagh, B. (1386). The study of the relationship between one text and other texts, *Research Journal of the humanities*, 56, 83-98. (in Persian)
Satari, J. (1378). *Research on the story of Sheikh Sanan and the daughter of Teresa*, Tehran, Markaz . (in Persian)
Todorov, T. (1396). *The logic of the dialogue is Mikhail Bakhtin*, translated by Dariush Karimi, Tehran, Markaz. (in Persian)
Davidjants, B. & Ross, J. (2016). Conflicts in music in the South Caucasus: The case of Armenians and Azerbaijanis, *Musicae Scientiae*, 1-12.
Zare shahmars, P. (1388). *The culture of shahmars, Turkish-Persian*, Tabriz, Akhtar. (in Persian)
Zulfikari, H. Ahmadi, L. (1388). Species of Iranian hymns, *Literary Studies*, 3, 143-170. (in Persian)

منابع شفاهی

- حسینی بقانام، رضا (۱۴۰۲). آهنگساز و نوازنده، تبریز.
رودکیان، قادر (۱۴۰۲). آهنگساز و نوازنده، تبریز.
شیرین‌پور، یوسف (۱۴۰۲). مترجم و راهنمای گردشگری تبریز گزیسی، تبریز.

